

رسم پرواگی

زندگی نامهٔ مهندس شهید

غلامرضا سیاه‌کمری

نویسنده: حدیث گل‌زاده



انجمن پیشگورتان سپاس



انجمن پیشکوتان سپاس

رسم پروانگی

سرشناسه: ۱۳۶۵، ۱۳۶۵، ۱۳۶۵، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: رسم پروانگی: زندگی نامه مهندس شهید غلامرضا سیاه کمری /
نویسنده: حدیث کریم زاده

مشخصات نشر: تهران: انجمن پیشکوتان سپاس، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص: مصورانه

فروست: چشمان آسمانی انقلاب اسلام - مهدای امنیت: ۱۷.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۹۰۰۶-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: زندگی نامه مهندس شهید غلامرضا سیاه کمری

موضوع: سیاه کمری، غلامرضا، ۱۳۴۱-۱۳۶۷.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — شهیدان — سرگذشت

موضوع: شهیدان — ایران — سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲۳۷ ۹ س / ۱۶۲۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۸۴۰۸

ویراستار: زهرا جواهری آق قلعه

طراح جلد و صفحه‌آرا: فاطمه محمدی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال

مقدمه

می‌خواهیم بنگاریم درباره یکی از افلاکیان، ولی ما خاکیان توان آن را نخواهیم داشت که عظمت آنان را آن‌طور که شایسته است بیان کنیم.

با این روحیه، اگر این کار کوچک را هم برای این شهید عزیز و دیگر شهدای و "رتبه مملکت اسلامی‌مان به انجام نرسانیم، خود را مدیون آنان و نسل‌های بعد می‌دانیم و افسوس خواهیم خورد؛ چرا که ممکن است در آیند انسان‌های آینده‌ای که به دنبال شناخت بیشتر و بهتر اسطوره‌های جوانمردان هستند به دلیل عدم دسترسی به منابع معتبر، از شناخت کامل آنان زمانند؛ در حالی که اگر کسانی بودند که راجع به این پارسایان صاحب و شمدای نهضت‌های اخیر اسلامی بیشتر و صحیح‌تر می‌نگاشتند مسلم دست‌یابی، بینش و آگاهی نسبت به آنان برای آیندگان بیشتر و پراع روش‌هاشان می‌شد، تا در این بیغولۀ تاریک دنیای نفسانی و هیاهوی خریدارمی و زیاده‌طلبی و ظلم، به بصیرت فکری و عملی بهتری برسند.

به هر حال، باید تا مجالی باقیست فرصت را غنیمت شمرد و در این مقطع زمانی از وجود پرارزش پدران و مادران، هم‌زمان

و دوستان این عزیزان که شمه‌ای از فداکاری و ایثارشان را به خاطر دارند و قدم پیش نهادند تا ادای دین نمایند، بهره جست تا مستندات، دست نوشته‌ها، خاطرات، عکس‌های آنها را به صورت مدوّن جمع‌آوری کرد و آن را برای آشنایی و دسترسی بیشتر در اختیار مخاطبین قرار داد. امیدواریم این تلاش‌ها آن‌طور که شایسته است مورد توجه قرار گیرد.

شهید غلامرضا سیاه‌کمری در سال یک‌هزار و سیصد و چهل و یک در یکی از محلات قدیم شهر کرمانشاه در خانواده‌ای مذهبی، متدین و معتقد به اسلام ناب محمدی دیده به جهان گشود و تحت توجّه حضرت باری تعالی و با زحمات و تلاش‌های والدین، در محیط پر از صفا و صمیمیت پرورش یافت. در دوران تحصیل، محصل بسیار فعال و مستعد و در مقاطع ابتدایی و راهنمایی و متوسطه همواره دانش‌آموز ممتاز و موفق بود. دوران دبیرستان را در رشته ریاضی با تبحر و تمیز از به پایان رساند. سال‌های آخر تحصیل وی در دبیرستان مسکات شهابی با حدس‌ترین و بزرگ‌ترین حادثه تاریخ کشورمان در زمان غیبت صاحب‌الزمان (عج)، یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری ناب‌پس‌حق، آن حضرت، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.

خاطره مبارزه‌های او در آن ایام در یاد بسیاری از رزمندگان اسلام و یاوران صدیق انقلاب می‌درخشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شهید وظیفه انقلابی و اسلامی خود را به خوبی درک کرده و از همان شب‌های اولیه، همراه بسیاری از جوانان حزب‌الله که اغلب همچون ایشان به خیل شهدا پیوسته‌اند، گشت‌ها و پاسداری‌های شبانه انجام می‌داد. از جمله این شهیدان عزیز

می‌توان شهید رضوان مدنی و حاج مسعود امیری و محسن آقارضا را نام برد.

شهید سیاه‌کمری که جوانی اهل فکر و علاقه‌مند به امام (ره) بود، در این راه زحمات طاقت‌فرسایی را متحمل شد. او در تمامی مبارزه‌ها، راهپیمایی‌ها و تظاهرات کرمانشاه شرکت فعال داشت. در همین راستا از همان روزهای اول تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه غرب و کرمانشاه به عضویت این نهاد مقدس درآمد و به عنوان پیش‌مرگان روح‌الله به انجام وظیفه خطیر پاسداری، انقلاب برداخت. در سال پنجاه و نه با آغاز جنگ تحمیلی از سوی امام، به عضویت صهیونیستی عراق، این جوان وارسته تکلیف خود دانست که به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بشتابد.

شهید صدیق علارضا سیاه‌کمری علیرغم تشویق و ترغیب بسیاری از بزرگان به ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه یا مراکز آموزشی عالی، حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و دفاع از انقلاب اسلامی را بر هر امر دیگری ترجیح می‌داد. از بدو ورود به سپاه همواره به دنبال فراگیری فنون نظامی بود و معمولاً کارهای دشوار و پردردسر را به عهده می‌گرفت و هیچ‌گاه خود را با انجام کارهای کاذب و تشریفاتی و پر زرق و برق مسعول نمی‌کرد و در یک کلام «عاشق گمنامی بود».

در آغاز عملیات موفقیت‌آمیز خیبر همراه با چند تن از دوستانش که عضو واحد اطلاعات بودند، عازم خطوط مقدم گردید و در این عملیات که بنا بر مصلحت فرماندهان اجازه حضور در خطوط مقدم را نداشته و بایستی مسائل امنیتی را پیگیری و گزارش می‌کرد، شرکت و به جهت رعایت سلسله مراتب و اطاعت امر فرماندهی از

مرخصی استحقاقی استفاده کرد و پس از حضور در عملیات با اتمام مرخصی به محل خدمت خود مراجعت نمود.

معمولاً در هنگام حضور در مناطق عملیاتی، هرگز از دعا و ذکر و مناجات جدا نبود و ضمن رعایت هشیاری کامل در امور عملیاتی، در به جا آوردن مستحبات هم بسیار مقید بود. همواره با وضو بود و بیشتر ادعیه مفاتیح را از حفظ بود و با خود زمزمه می کرد.

پس از گذشت تقریباً چهار سال از آغاز جنگ تحمیلی، در آزمون سراسری دانشگاه‌ها شرکت نمود و با رتبه‌ای بسیار ممتاز در رشته «فیزیک کاربردی» در دانشگاه تهران پذیرفته شد. در همان ابتدای شان یک سال مرخصی تحصیلی از دانشگاه گرفت و تمام این مدت را در میادین نبرد حق علیه باطل به خدمت و انجام وظیفه انقلابی و اسلامی خویش پرداخت تا اینکه در سال شصت و سه در دانشکده علوم دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. این در حالی بود که در دوران تحصیل نیز، تلب فرصت‌هایش را در جبهه می گذرانید. سال‌های آخر جنگ که به دانشگاه راه یافته بود، طی چند ترم تحصیلی بیشتر نمراتش با نمره هفده بود و نبوغ و استعداد بسیار خوبی داشت. بنا به نقل برخی از دوستان شهید، ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود که احتمالاً در مورد انقلاب فرهنگی بود، برای دانشجویان اظهار کرده بود که «اگر این تالیف نمی کردم حتی یک لحظه جبهه‌های جنگ را برای حضور در دانشگاه رها نمی کردم.»

شهید سیاه‌کمری از همان ابتدای جنگ خود را به طور کامل وقف دفاع از انقلاب اسلامی در جبهه جدید کرد. در هیچ جا جز جبهه‌های نبرد، آرام و قرار نداشت. به همین دلیل در آغاز جنگ، گاهی به

صورت انفرادی و گاهی در دسته‌های نامنظم به جبهه‌های غرب، از جمله قصر شیرین^۱ و سرپل ذهاب^۲ و جنوب عزیمت می‌نمود.

در کنار تمام فعالیت‌های رزمی و مبارزاتی، هیچ‌گاه از مطالعه و آموختن غافل نمی‌شد. مطالعات وی دامنه گسترده‌ای داشت؛ از جمله مطالعه کتب مذهبی، علمی، فلسفی و ادبی که آن را طبق یک برنامه منظم و با استفاده از هر فرصتی که فراهم می‌شد انجام می‌داد. با توجه به استعدادهای خدادادی و سرشاری که در زمینه‌های مختلف داشت مطالعه و تحقیق را بسیار با علاقه و دقت و با دیدی پژوهشگرانه انجام می‌داد و هر مطلبی را که مطالعه می‌نمود، مورد نقد و بررسی قرار می‌داد و انتقادات و نظریات و نیز ابهامات احتمالی موجود در هر یک را یادداشت و برای تحقیق بیشتر در آن مورد بسیار تلاش می‌کرد.

از بارزترین خصایص وی، خضوع و خشوع فراوان در پیشگاه حق تعالی و تواضع و فروتنی در برابر دیگران و بی‌توجهی به ظواهر فریبنده دنیا بود. همواره ساده‌زیستی را الگوی عملی زندگی مادی خود قرار داده و این در حالی بود که اگر تمام نشان می‌داد بیشترین امکانات رفاهی در اختیار او قرار می‌گرفت.

از دیگر خصلت‌های بارز این شهید گرانقدر، اهتمام ورزیدن

۱. یکی از شهرهای استان کرمانشاه در غرب ایران است. شروع جنگ به نیلی با حملاتی بود که از فروردین ۵۹ به قصر شیرین شد. این منطقه مکرراً توسط نیروهای دشمن مورد هجوم سنگین قرار می‌گرفت، زیرا این شهر دروازه ورود به ایران محسوب می‌شد.

۲. این شهر که در فاصله ۵۰ کیلومتری مرز عراق قرار دارد، دارای دشت‌های حاصلخیز و زیارتی است. پس از پیروزی انقلاب، همچون تعدادی از شهرهای مرزی مورد تعرض و حمله و تخریب و ضدانقلاب واقع شد. با شروع جنگ تحمیلی نیز این شهر مورد تعرض هواپیما و راکت‌های عراق قرار گرفت و در اولین ساعات دوم مهر ۱۳۵۹ به اشغال قوای دشمن درآمد. این اشغال با یک عملیات چند ساعته پایان یافت اما تا پایان جنگ، شهر در معرض حملات عراقی قرار داشت. در پایان جنگ نیز سرپل ذهاب دوباره به اشغال منافقین و نیروهای عراقی درآمد که نیروهای پاسدار شهر را آزاد ساختند.

فراوان به اجرای وظایف و اعمال شرعیه و نیز عمل به فرامین حضرت امام خمینی «قدس سره شریف» بود. ایشان همیشه برای دوستان، همکاران، اطرافیان و حتی کسانی که یک بار با وی روبه‌رو شده بودند به عنوان یک الگو و سرمشق بود.

در دوران تحصیل با توجه به نوع کار و ارتباطات تنگاتنگ، هرگاه احتمال انجام عملیاتی را در جبهه‌ها می‌داد، بی‌درنگ عازم این مناطق می‌شد.

ایشان همچنین در زمینه هنر به مقوله نویسنده‌گی، شعر، نقاشی و خطاطی می‌پرداخت. آثار لطیفی خلق می‌کرد و به زیبایی‌ها علاقه ویژه‌ای داشت.

یکی از برجسته‌ترین فرازهای زندگی‌اش هنگامی بود که قطعنامه ۵۹۸ توسط امام (رضوان الله تعالی علیه) پذیرفته شد. او دائم می‌گفت: «دیدید که بیچاره شدیم و فیض شهادت از ما گرفته شد، دیدید که شهدا را بده ما باختیم؟!»

شهید سیاه‌کمری راه‌های تحصیل دانشگاهی را در کمترین زمان ممکن و با بهترین کیفیت طی نمود. بنا به نظر بسیاری از بزرگان و اساتید ایشان، می‌توان گفت شهید سیاه‌کمری در زمینه علمی و تخصصی برای انقلاب و اسلام رکن توانایی بود. ولی بالاتر از این

۳. قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد که سرانجام پس از یک سال به فرمان امام خمینی (ره) در ۲۷ خرداد ۱۳۶۷ از سوی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد. امام راحل (ره) با تغییر شیوه دفاع، دشمنان را به سلاح کرد و تلاش چند ساله ملت را به ثمر رساند. دو فایده پذیرش قطعنامه در بیان آیت‌الله امام‌ای این بود که پذیرش به صلاح انقلاب و کشور بود و با قبول آن ماهیت اسلامی و اخلاقی وحشی‌گری عراق علی‌رغم ادعای صلح‌طلبی، آشکار گشت. همچنین از دلایل پذیرش قطعنامه از ۱۰ قطعنامه‌ای که شورای امنیت در طول جنگ هشت ساله صادر کرده بود، موثرترین به داشتن راه‌حل جامع و عملی برای حل مسئله، تضمین برای آینده و جلوگیری از تکرار تجاوز اشاره کرد.

مراتب، مقصد نهایی ایشان همانا شهادت در راه خدا و لقاء معشوقش بود که بدان تائل گردید. شهادتی که خود از قبل، کیفیت آن را آرزو کرده بود و گویی عیناً به وی الهام شده بود؛ چرا که همیشه آرزو داشت و در وصایای خویش به دوستانش می‌گفت: «آرزو دارم به شدیدترین شکل مجروح و با جراحت اسیر و در اسارت شهید شوم تا از اجر جراحت، اسارت و شهادت بهره گیرم.» عشق و ارادت او به فاندان عصمت و طهارت خصوصاً حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به گونه‌ای بود که هرگاه نام مبارک ایشان برده می‌شد بی‌درنگ اشک از چشمانش، سرازیر و حالت غم و اندوه بر وی مستولی می‌گشت. آخرین بار که ایشان عازم مناطق عملیاتی شدند، با عنوان قائم مقام اضلعات^۱ چهارم بعثت از انقلاب اسلامی مقابل منافقین کوردل و مردار ب‌گانه^۲، عملیات غرور آفرین مرصاد^۳ دفاع کرد. با آغاز تهاجم منافقین به میهن اسلامی با پشتیبانی استکبار جهانی، او که باز هم بی‌قرار مانده و سر از پا نمی‌شناخت خود را به منطقه عملیاتی و معرکه رساند تا به مصاف شقی‌ترین دشمنان خدا و رسول خدا بشتابد و در عمین عملیات، افتخار شهادت را

۱. دشمنان با خیال اینکه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران، نشان ضعف و اختلاف نیروهای داخلی است و چون عرصه‌ای برای رسیدن به اهداف خود در جنگ هشت‌ساله نرسیده بود، با اقدامی شتاب‌زده، ارتش این کشور را، ب‌رگر تصمیم گرفت به سرزمین ایران یورش آورد و توانست تا جاده اهواز- خرمشهر را تسخیر کند. خرمشهر را تهدید کند که با مقاومت شدید سپاهیان اسلام خنثی شد. از طرف دیگر آن‌ها در ۵ مرداد ۶۷ با همکاری سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تا تنگه چهارزیر (بین اسلام‌آباد و کرمانشاه) پیشروی کردند. هدف منافقین از حمله در عمق خاک ایران تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران و به دست گرفتن قدرت مرکزی بود. گرچه آنها نتوانستند به کرمانشاه و اسلام‌آباد برسند، در مسیر کرمانشاه از پیشروی آنها جلوگیری شد. ۲. منافقین در ۵ مرداد، عملیات مرصاد را با رمز "یا علی بن ابی‌طالب" آغاز نمودند و طی چندین ساعت، صدها تن از منافقین را به هلاکت رسانده و مابقی را مجبور به فرار کردند.

نصیب خویش نمود. پس از تلاش‌ها و پیگیری‌های مستمر دوستان و آشنایان و مساعدت‌های مسئولین محترم نظام در چهلمین روز شهادتش، پیکر مطهر و غریب او به خانواده‌اش تحویل داده شد. تاریخ شهادت وی را ۶۷/۵/۲ ثبت کرده‌اند.

سردار شهید سیاه‌کمری که تکلیف خویش را در جهاد فی سبیل‌الله به خوبی شناخته بود، سرانجام ارادت خالصانه را در عمل ثابت کرد و در مرصاد، آخرین عملیات رسمی رزمندگان اسلام، با تمام توان به نبرد با منافقین پرداخت. ایشان در فرازی از وصیت‌نامه‌اش فرموده است:

«جبهه ما جبهه اسلام است و با سرافرازی و غرور از بندگی خدا، در جهان بریاد می‌زنیم که ما در مغزمان جز ادای تکلیف نمی‌پروریم و در بازماندن جز نیروی خدا نمی‌بینیم.»

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.